

رئیس‌جمهوری ایران پس از ۱۱سال وارد آفریقا شد

ایران به دنبال فرصت‌های قاره سیاه

شرق: رئیس‌جمهوری ایران، پس از ۱۱ سال در رأس هیئتی سیاسی و اقتصادی به دعوت رؤسای جمهور کنیا، اوگاندا و زیمبابوه، با هدف تنوع‌بخشی به مقاصد صادراتی ایران و توسعه روابط تجاری با کشورهای آفریقایی راهی سرزمین فرصت‌ها شد.

صفحه ۲

سرمقاله

هدیه به مردم



سیدمصطفی هاشمی طب

رسم نه‌چندان خوبی وجود دارد که دولت‌ها وقتی تغییر پیدا می‌کنند و دولت جدیدی ظهور می‌کند تا آنجا که بتوانند دستاوردهای مثبت را که ریشه در گذشته داشته، به نام خود ثبت می‌کنند و آثار منفی به‌وجودآمده را که آن‌هم از میراث گذشتهگان بوده است، متناسب به دولت یا دولت‌های قبلی می‌کنند. حال چه بخواهیم و چه نخواهیم، تقریبا همه دولت‌ها چنین می‌کنند. به طور مثال سدی که ساخت آن زمانی حدود ۱۵ سال به دراز می‌کشد، در سال دوم دولت جدید، دستاورد و حاصل عمل و دولت جدید خوانده می‌شود. در دولت فخریمه جدید هم چنین است. افتتاح بیمارستان غدیر، قطعه دوم آزادراه تهران - شمال (با سابقه بیش از ۳۰ سال از زمان شروع) و افتتاح فلان ایستگاه مترو دستاویزی برای تبلیغ کارهای دولت جدید است و البته همه آثار تورم و گرانی و مشکلات اقتصادی دیگر و فساد در دستگاه‌های اجرایی همه به دولت قبلی منتسب می‌شود. صفحات روزنامه‌ها به‌ویژه روزنامه‌های دولتی و نیز سخن‌پرگانی و تصویرسازی صداوسیما همه حاکی از این امر است و ظاهرا چاره‌ای جز آن نیست؛ چراکه دولت‌های قبلی هم به همین رسم نادرست پایبند بوده‌اند و هرگز به فکر آن نبوده‌اند که اگر در مسائل نامطلوب ذکر خبری از دولت قدیم می‌شود، در امور مثبت نیز اندکی همراه تاریخچه اقدامات، اشاره‌ای به دولت یا دولت‌های قدیم کنند. گفتیم که این اخلاق و روش میراثی از رسم نه‌چندان خوب دولت‌های قدیم است؛ اما اینک می‌بینیم که ادبیات جدیدی در هنگام بروز و ظهور کاری به پایان رسیده یا حتی ناتمام باپ شده است و البته نه اینکه این ادبیات متوجه خود دولت باشد. بلکه ممکن است دولت از آن بی‌خبر باشد؛ اما دوستداران و مبلغان دولت جدید که فکر می‌کنند با بیان و تبلیغات می‌توان همه کار کرد، به آن می‌پردازند. اینک می‌بینیم که افتتاح یک بیمارستان، یک قطعه راه، یک تصفیه‌خانه از سوی همین هواداران یا مأموران تبلیغی «هدیه دولت به مردم» خوانده می‌شود. اینان ندانسته خطب بزرگی را مرتکب می‌شوند و آن جادکردن دولت از صف مردم است. وقتی می‌گوییم این بیمارستان هدیه دولت به مردم است؛ یعنی آنکه دولت در یک سواستاده و مردم در سوی دیگر و اصولا فراموش می‌کنیم که پول دولت در حقیقت پول مردم است و اگر کاری شده است، از پول مردم و به همت مردم صورت گرفته است و دولت یا دولت‌ها به جز وظایف خود کار دیگری نکرده‌اند. بدعت‌گذاری در این‌گونه موارد در منت‌گذاشتن بر ملت که دولت به شما هدیه داده است، نه منطبق بر واقعیات است و نه در سپهر سیاسی معقول و پذیرفتنی. البته این نوع تفکر هم در برخی نظرات که از گذشته به ارث رسیده، ریشه دارد؛ تفکری که مردم را ناچیز می‌شمارد. وقتی چنین تفکری وجود داشته باشد، برخلاف نظرات امام راحل که خود را خدمنتگزار می‌نامیدند، اینک دولت یک ارباب و بالادست می‌شود و بر مردم منت می‌گذارند که به شما هدیه می‌دهیم. البته نوعا این بیان مستقیما از سوی دولتیان ارائه نمی‌شود؛ اما طرفداران کندذهن دولت چنین می‌کنند و این کمتر در دولت‌های گذشته سابقه داشته است. دوستی می‌گفت که از اصول اولیه سخنرانی که در برخی مجامع و کلاس‌ها به شاگردان می‌گویند، آن است که هنگام سخنرانی برای شنوندگان برای آنکه اعتمادبه‌نفس داشته باشید، تصور کنید که جمعی گوسفند در مقابل شما نشسته‌اند و آن وقت هرچه می‌توانید محکوم به سخن‌گفتن بپردازید و طبعاً این آموزش ریشه در «العوام کالانعام» دارد. این را مقایسه کنید با بیان مرحوم آیت‌الله محمدتقی فلسفی که همواره اصرار در ارتباط کلامی و تفهیم‌مطلب به مستمعان حسب سطح دانش آنها برای انتقال صحیح پیام خود داشت و هرگز سخن بیهوده نمی‌گفت. آنچه دولت انجام می‌دهد، وظیفه‌ای است که طبق قانون و شرع و با محول شده و آنچه در تصرف دارد، متعلق به مردم است. بیان اینکه فلان کار هدیه دولت به مردم است، خطبی بزرگ و نیز یک منت و طلبکاری دولت از ملت است و ابداع‌کنندگان، نویسندگان و نثرشدندگان این تفکر به‌سادگی باید بداند که این نوع تبلیغ خود ضد تبلیغ است و جداگتر همان کار ناپسند انتساب و محاسن به خود و انتساب معایب به گذشتهگان را داشته باشند که به هر حال رسمی است که از گذشته به ارث رسیده است؛ هرچند نامطلوب و ناجوامدانه‌است.

باز گشت همه به سوی اوست

جناب آقای دکتر احمد مسجد جامعی

خبر تاسف‌انگیز رحلت والده ماجده **مرحومه مغفوره حاجیه خانم فلسفی تنگابنی** موجب تأثر گردید.ضمن عرض تسلیت به خاندان ایشان به ویژه **حضرت تعالی علو در جات** برای آن **مرحومه** و تسلیی خاطره **بازماندگان** را از درگاه ایزد احدیت **خواستار**یم.
آریابان، آسیم، آیلاز،تآو،ابوعطاه،اتحاد،اسطبر،اختران،ادبستان، ارسباران،اسلام،اسم(نشر وکتابفروشی)،البرز،آندیشه،مولانا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارس،بهجت (نشر و کتابفروشی)، پخش گسترش فر هنگ و مطالعات،پیکان،تومه،جمهوری،چالش، حافظ نوین،خامه،خانه فرهنگ و هنر گویا،دارالعلم،دارالفکر، دارالکتب اسلامی،دلیل ماه،دوستان (نشر و یخشی)،دیدار،دهن آویز، روان،رزین و سیمین،سنایی،سنبله،سیمای دانش، طرح نقد، طرح نو، علمی، علوم دانشگاهی،فرهنگ معاصر،فوق،فکریانی، کتاب آبان، کتاب آبه، کتاب پنجره (نشر و کتابفروشی)، کتاب دید آور، کتابسرای تندیس، کتابسرای میردشتی، گستره، گنج دانش،مروارید،مر ندیز،معین،نشر نالت، نشر چشمه،نشر گویا،نشر مرکز،نشر نو،نشر نی،نگار، نگاه،نیماز،ویرایش،



پنجشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۲ • ۲۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۴ • ۱۳ جولای ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۶۰۰ • صفحه ۱۲ • ۱۵۰۰۰ تومان

سفیر مسکو احضار شد؛ بعد از امضای بیانیه واهی درباره جزایر ایرانی آیا کرملین شریکی مطمئن است؟

اخطار به روسیه

شرق: ششمین نشست مشترک وزیران امور خارجه شورای همکاری خلیج فارس با فدراسیون روسیه در حالی روز دوشنبه در مسکو برگزار شد که با صدور بیانیه پایانی، حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه را زیر سؤال برد. وزرای امور خارجه روسیه و کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس (عربستان، امارات، قطر، عمان، کویت و بحرین)، بدون توجه به تمامیت ارضی ایران، در بند حاشیه‌ای و البته تکراری بیانیه مشترک، بر پشتیبانی خود از همه تلاش‌های صلح‌آمیز از جمله «ابتکار امارات و تلاش‌های آن برای دستیابی به یک راه‌حل مسالمت‌آمیز برای مسئله جزایر سه‌گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی از طریق مذاکرات دوجانبه یا دیوان بین‌المللی دادگستری براساس مقررات حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل متحد برای حل‌وفصل این مسئله مطابق با مشروعیت بین‌المللی» تأکید کردند. تصمیمی که با همراهی روسیه رفتاری غیردیپلماتیک تعبیر شد و واکنش‌های بسیاری در داخل و خارج به همراه داشت.



«ر. اعتمادی» روی در نقاب خاک کشید

یک عمر عاشقانه‌نویسی

شرق: رجبعلی اعتمادی، با امضای *مستعار* ر. اعتمادی، یکی از مشهورترین نویسندگان رمان‌های عامه‌پسند ایرانی در نودسالگی درگذشت. رمان‌های اعتمادی در سال‌هایی که مجوز انتشار نداشتند از جمله کتاب‌های ثابت دستفروشان کتاب بودند و احتمالا نام او را حتی آنها که هیچ رمانی هم نخوانده‌اند شنیده‌اند. اعتمادی نویسنده و روزنامه‌نگاری بود که در بهمن ۱۳۱۲ متولد شده بود و پیش از آنکه به سراغ نوشتن رمان‌های عاشقانه عامه‌پسند برود کارش را با خبرنگویی در روزنامه اطلاعات آغاز کرده و پس از مدتی رمان‌هایش را به صورت باورقی در همین روزنامه منتشر کرد. باورقی‌های اعتمادی با استقبال عمومی روبه‌رو شد و سپس او سردبیر مجله «جوانان» شد که نشریه‌ای بسیار پرتیراژ بود. اعتمادی در میانه دهه ۳۰ در کلاس‌های خبرنگاری روزنامه اطلاعات شرکت کرده بود و پس از اتمام دوره در اطلاعات مشغول به کار شده بود. او در گفت‌وگویی با «ایران آرت» گفته بود که از ابتدا می‌خواست روزنامه‌نویس حرفه‌ای باشد و برای همین رویکردی را در پیش گرفته که در نهایت حقوقش از یک وزیر بیشتر شده است: «عشق من روزنامه‌نگاری بود.

این گزارش را در صفحه ۱۲ بخوانید

یادداشت

چین ما و چین ماچین



رضا قدمیان

به‌تازگی یکی از نمایندگان سابق مجلس که از قضا سال‌هایی هم در مسند اقتصادی و بودجه‌ای مجلس قرار داشته، از باب شکوه از شکم‌پرستی ملت به مردم چین رشک برده‌اند که به دو وعده یا کمتر از غذا اتباع‌اند. البته، این‌گونه غیبه‌خوردن‌ها بر ملت چین و یمن در میان مسئولان ما مسوق به سابقه بوده است. این‌جانب که سابقه سفرهای متعدد و اغلب مرواده با کشور چین داشته و به تبع آن، آشنایی با فرهنگ این مردمان دارم، طاقت نیاورده، بر خود دیدم پاسخی براساس واقعیت‌های مشهود و مستند خود به این شخصیت‌های به‌اصطلاح اقتصادی بدهم تا جفا نشود هم بر مردم ایران و هم بر مردم چین. به‌عنوان مقدمه، موضوع را مستلزم آشنایی با تاریخ چین مدرن و تحولات دهه‌های اخیر این کشور پهناور می‌دانم. این عزیزان، لابد می‌دانند کشور چین چگونه به جایگاه کنونی رسیده است؛ یعنی کشوری با جمعیت بالغ بر یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفری در طول نیم‌قرن گذشته چگونه عمل کرده تا از یک کشور قحطی‌زده و فقیر به چنان رشد اقتصادی و صنعتی دست یابد که شانه به شانه کشور ایالات متحده که دارای رتبه اول اقتصادی جهان است، باشد. باید بدانیست که حکومت کمونیستی چین کنونی در طول نیم‌قرن گذشته با چندین بار پوست‌اندازی و تغییر ماهوی و تعدیل ایدئولوژیکی در مسیر پیشرفت و توسعه جهانی قرار گرفته است. باید بدانیم بعد از به قدرت رسیدن کمونیست‌ها در سال ۱۹۴۹ به رهبری مائو تسه تونگ، نزدیک به ۳۰ سال حکومت چین مانند رقیب کمونیست خود یعنی اتحاد جماهیر شوروی، در حصار ایدئولوژیکی و شعارهای خوداتکایی و اقتصاد درونی، فقر و فلاکت تولید کرد؛ به طوری که در فاصله سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۱ چند ده میلیون شهروند چینی بر اثر قحطی ناشی از اجرای برنامه جهش بزرگ مائو تلف شدند. این روند و رویه کمونیستی کار را به جایی رساندند که بعد از فوت مائو، انقلابی‌های دیگری به تلافی تدروی‌های دوران مائو درصدد انتقام از خانواده و یاران او برآمدند. دنگ شیائوپینگ که از پیشگامان رهبران نسل دوم چین محسوب می‌شود، با اتخاذ سیاست درهای باز و ارتباط با جهان توانست سرمایه‌گذاران خارجی زیادی را به چین جذب کند. متعاقب آن رهبران دیگر آن کشور مانند چوئن لای، جیان ژمینگ و شی جین‌پینگ در ادامه تنش‌زدایی و سیاست درهای باز، چین را به جایگاه کنونی رسانده‌اند که بر پایه تولید ناخالص داخلی دومین اقتصاد بزرگ جهان را داراست. باید عرض کنم همه این جهش سریع در طول سه‌ الی چهار دهه گذشته کشور پهناور چین در سایه اتخاذ سیاست درهای باز بوده است؛ به طوری که سطح زندگی در شهرهای بزرگ آن کشور مانند شانگهای، پکن و تیانجین با شهرهای بزرگ نیم‌کره غربی دنیا مانند نیویورک، پاریس و لندن قابل مقایسه است.

ادامه در صفحه ۱۱

رهبر انقلاب در دیدار فضلا، طلاب و مبلغین تبیین کردند:

اهمیت تبلیغ به‌روز و تأثیرگذار

♦ روحانیت باید وسط میدان باشد

♦ لزوم تشکیل کانون‌های تبلیغ در حوزه‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح دیروز در دیدار فضلا، طلاب و مبلغین حوزه‌های علمیه، تبلیغ دین و اهداف دینی را مهم‌ترین وظیفه حوزه‌ها خواندند…

صفحه ۲



زهراکریمی، اقتصاددان، در گفت‌وگو با «شرق» سیاست‌های اشتغال‌زایی در برنامه هفتم را نقد کرد

برنامه‌ای بدون چشم‌انداز

نکوداشت زهرا شجاعی با حضور چهره‌های سیاسی و اجتماعی برگزار شد

بانوی سیاست و اخلاق

نکوداشت زهرا شجاعی با حضور چهره‌های سیاسی و اجتماعی برگزار شد

اگر مهدی

طارمی نبود

یادداشت

آمار جهانی زن‌کشی

مطبوعات؛ ابزاری برای پزشکی اجتماعی و درمانگری



عمادالدین باقی

دیروز در خبرها آمده بود که علیه روزنامه «شرق» به خاطر چند گزارش اجتماعی ازجمله گزارش زن‌کشی اعلام جرم شده است. پایگاه رسانه‌ای قوه قضائیه خبر اعلام جرم علیه مدیرمسئول روزنامه «شرق» به دلیل قانع‌کننده‌نبودن توضیحات درباره ادعای منتشرشده در حوزه زنان (میزان، سه‌شنبه ۲۰ تیر ۱۴۰۲) را داده بود. هرچند هنوز در مرحله اتهام است و امید می‌رود با توجه به اهمیت مطبوعات و کلیت عملکرد روزنامه، منع تعقیب در پیش باشد؛ زیرا چنان‌که خواهد آمد، گزارش روزنامه در راستای وظیفه خود قوه قضائیه بوده است. از طرفی یک روزنامه فارسی خارج از کشور به استناد گزارش «شرق» نوشت: «گزارش تکان‌دهنده از زن‌کُشی در ایران؛ در دو سال گذشته هر چهار روز یک زن به دست مردان خانواده کشته شده است!». بدون شک باید با این فاجعه مقابله کرد؛ ولی نباید مانند این نشریه برون‌مرزی به سیاست فروکاست، ایرانیان را تحقیر کرد. در رویکرد علمی باید آمار کانادا و انگلیس و کشورهای دیگر را هم بررسی و مقایسه کرد. روزنامه انگلیسی گاردین در اکتبر ۲۰۲۱ تیتُر زد: «۸۱ زن در ۲۸ هفته کشته شدند»؛ یعنی هر ۵۰ تا ۶۰ ساعت یک قتل خانگی، گاردین می‌افزاید: ۶۲ درصد از زنان به دست همسر فعلی یا همسر قبلی کشته می‌شوند و از هر ۱۲ نفر یک نفر به دست پسرش کشته می‌شود. به دلیل آمار بالای زن‌کشی کمپین پایان‌دادن به زن‌کشی راه افتاد (2021/oct/the-guardian.com). سازمان دیده‌بان زن‌کشی کانادا برای عدالت و پاسخ‌گویی در کانادا هم اعلام کرده است که زنان بومی در کانادا به شکل درخور توجهی با نرخ بالاتری در قیاس با زنان غیربومی کشته می‌شوند. این سازمان همچنین اعلام کرده: در کشور ما به طور متوسط هر روز یک زن یا دختر کشته می‌شود. اینفوگرافیک این سازمان درباره تعداد زنان و دخترانی که در سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۲۱ تعداد در خونت در کانادا کشته شده‌اند، نشان می‌دهد سال ۲۰۱۸: ۱۴۸ نفر، سال ۲۰۱۹: ۱۳۷ نفر، سال ۲۰۲۰: ۱۶۰ نفر و سال ۲۰۲۱: ۱۷۳ نفر (Infographic #1- Revised 2021). این جدول نشان‌دهنده روند افزایشی زن‌کشی در کانادای مدرن امروز است؛ به گونه‌ای که شمار زنان و دختران بومی کانادایی کشته و مفقودشده به هزار و ۲۰۰ نفر رسیده است. وضعیت در هلند و برخی کشورهای دیگر هم مطلوب نیست. هفت ماه پیش نیز سازمان ملل اعلام کرد در سال ۲۰۲۱ تعداد ۴۵ هزار زن و دختر به دست اعضای خانواده کشته شده‌اند. براساس آمار جدید سازمان ملل درباره زن‌کشی، در سال ۲۰۲۱ بیش از پنج زن و دختر در هر ساعت به دست یکی از اعضای خانواده کشته شدند (روزنامه گاردین، نوامبر 2022). بنابراین ما با یک پدیده و معضل جهانی روبه‌رو هستیم و فروکاست مسئله به ایران و شرایط اجتماعی و سیاسی بست با داده‌های بالا درباره آن جوامع همخوانی ندارد. نگارش علمی ایجاب می‌کند که فراتر از یک مسئله محلی به موضوع نگریمت شده شود. و اما در ایران، متخصصان علوم اجتماعی، درمانگران و نوع‌دوستان، میان دو جریان گیر افتاده‌اند: یکی آنها که هر رخداد منفی را بدل به چماق علیه کشور خود کرده و بهانه به دست تنگ‌نظران می‌دهند که اتهام سیاه‌نمایی بزنند و دوم چرانی که حتی تحمل یک گزارش اجتماعی را ندارند و توجه ندارند آماری که علیه آن اعلام جرم کرده و گمان برده‌اند تخریب سیمای کشور است، در مقایسه با آمار برخی از کشورهای آزاد بسیار نازل‌تر است و اگر اینجا از وقوع هر چهار روز یک قتل خبر می‌دهند که بدون شک هولناک است، در مطبوعات آن کشورها از وقوع هر دو روز یک قتل خانگی یا در هر یک ساعت قتل پنج زن و دختر، خبر می‌دهند که هولناک‌تر است؛ ولی هیچ روزنامه‌ای هم به خاطر این گزارش متهم و محاکمه نمی‌شود.

ادامه در صفحه ۱۱

این گزارش را در صفحه ۱۲ بخوانید

یادداشت

برنامه هفتم و مشکلات محیط‌زیستی ما



ترانه یلدا

معمار و شهرساز

از بچگی در گوشمان می‌خواندند: دگران کاشتند و ما خوردیم… ما بکاریم، دگران بخورند! امروز انگار این کلمات حکیمانه گذشتهگان از یادمان رفته است؟! و از همین روست که شاید بهتر باشد در برنامه هفتم که در دست تدوین و تصویب در مجلس است، تجدیدنظری صورت گیرد زیرا در بین مردم و متخصصان حرف آن زده می‌شود و دولت نیز از نقد این برنامه ظاهرا استقبال کرده است. در هفته گذشته همه نکاتی را مطرح کرده‌اند در زمینه‌های مختلف، که به نظر می‌رسد محیط زیست مهم‌ترین و پاشنه آشیل این برنامه باشد. مسعود امیرآزاد از فعالان محیط زیست می‌نویسد: «آنکه برنامه هفتم توسعه را بدون رویکرد حفظ محیط زیست و بنیه حیات برای نسل‌های آتی نگارش می‌کند، مگر جز این می‌گوید که حال بیمار بدتر از آن است که خرج دارو و درمانش دهد، بروید برای تقسیم میراث مهیا شوید». البته که حفظ محیط زیست نمی‌تواند پایه تمام این اقدامات و برنامه‌های توسعه‌ای قرار نگیرد. جای دیگر دکتر دهاج کیادلبیری می‌گوید: «چطور سازمان جنگل‌ها علی‌رغم نظر اکثر کارشناسان و منابع علمی، برداشت درختان شکسته و افتاده و… را پیشنه‌باد کرده است؟ در حالی‌که این درختان جزئی از اکوسیستم بوده و تعیین تکلیف آنها نیز باید در طرح‌های جایگزین اتفاق بیفتد». در اخبار انگیز رسانه‌ها هر روز با مواردی جدید از خشک‌شدن رودخانه‌ها، تالاب‌ها، دریاچه‌ها، چاه‌های عمیق، سدها، باغ‌ها و جنگل‌ها، نشست زمین و ترک‌برداشتن سینه صحرای بیابان روبه‌رو می‌شویم و اینها همه نشانه‌های حیات این آب و خاک‌اند که اگر به همین سادگی محو و نابود شوند، دیگر چیزی باقی نخواهد ماند که زندگی ما و نسل‌های آینده‌مان را پایدار کند. خبر مهاجرت‌ها تنها به رفتن بچه‌هایمان به خارج از کشور مربوط نمی‌شود. بقین دارم که مهاجرت‌های داخلی ناشی از تنگناهای محیط‌زیستی از مهاجرت‌های جوانان وخیم‌تر و بس درنکاتر است. آن سیستمی بی‌مایه که با خانواده‌اش از خشک‌سالی و گرد و خاک به گرانگ می‌گریزد و آن اصفهانی و اهوازی مایه‌دار که مدتی است فکر خرید خانه و ویلا در گیلان و مازندران را عملی کرده است و دارد کاشانه خود را ترک می‌کند. البته مسائل محیط‌زیستی تخصصی‌اند ولی همه خوشبختانه به اهمیت و اولویت آن واقفیم. به خاطر دارم زمان دانشجویی ما در سال‌های قبل از انقلاب، قراردادی از سوی دولت با شرکت ستیران فرانسه امضا شد برای مطالعات «سند آمایش سرزمین» که نوعی توسعه متوازن ایران‌ساز را ترسیم می‌کرد. من هم با وجود سن کم برایشان ترجمه‌هایی می‌کردم… و با طرح آشنا شدم.

ادامه در صفحه ۱۱